

کارنامه هنرمندان ایران

رضا عباسی، رضا مصور کاشی، آقارضا مصور هروی

کتابی تازه درباره این سه هنرمند که روشنگر زندگی و آثار آنان است

رکن‌الدین همایونفرخ

مدیرعامل سازمان کتابخانه‌های عمومی تهران

درباره این مقاله :

در شماره ۱۴۹ آن مجله ارزنده مقاله‌ای بقلم آقای دکتر خواجه عبدالرشید به ترجمه دوست دانشور آقای بیژن سمندر تحت عنوان «معرفی سه اثر منتشر نشده از رضا عباسی نقاش هنرمند دربار شاه‌عباس بزرگ» و تفکیک آثار سه هنرمند هم‌نام و هم‌زمان آقارضا، علیرضا و رضا عباسی نشر یافته بود که با توجه به مطالب سودمندی که داشت در مورد بازشناخت این سه هنرمند آنچنانکه باید صحبت نشده بود. نخست اینکه علیرضا عباسی یا علیرضا تبریزی اساساً نقاش نبوده، بلکه خوشنویس است و بنابراین گذشته از اینکه در نام نیز با رضا عباسی اختلاف دارد در هنر نیز با او همکار نبوده است، دیگر اینکه در زمان و عصر شاه‌عباس سه رضا نام بوده‌اند که نقاشی میکرده‌اند و شخصیت این سه هنرمند با هم درهم آمیخته و موجب گمراهی بسیار شده و آثار رضا هراتی و یا رضا کاشانی را با آثار رضای عباسی اشتباه میگیرند کما اینکه آثار نشر یافته در هنر و مردم هیچیک کار رضای عباسی نیست. یک اثر آن کار آقا رضا هراتی یا رضای جهانگیر پادشاهی است و دواثر آن که رقم دارد «رقم کار رضا عباسی» باید دانست که رقم جعلی است و هیچگاه رضا عباسی نمی‌نوشته رقم کار رضا عباسی و خط نیز خط رضا عباسی نیست. رضا عباسی رقم میکرده است «رقم کمینه رضا عباسی» یا «رقم کمترین رضا عباسی» و ضمناً خط خوش داشته است. این بنده در سال ۱۳۴۵ تحقیقی درباره بازشناخت سه شخصیت هنری هم‌نام بنام‌های آقارضا - آقارضا مصور هروی - آقارضا جهانگیری انجام داده که نکات مبهم و مجهول شخصیت این تن را بازگو می‌کند برای آنکه علاقه‌مندان به شناخت این سه هنرمند هم‌نام و هم‌زمان توفیق یابند و ضمناً مکتب و نحوه کار این سه تن و امتیاز کار هر یک از دیگری شناسانده شده باشد به تقدیم این تحقیق مبادرت گردید.

رکن‌الدین همایونفرخ

رضای عباسی، رضا مصور کاشی، آقارضا مصور هروی

شهرت و معروفیت رضای عباسی و وجود نقاشانی بنام رضا هم‌زمان با او موجب شده است که نقاشی‌های دیگران را بنام رضای عباسی رقم کنند و سبک رضای عباسی را ناشناخته سبک نقاشان دیگر را با او منسوب دارند.

برای اینکه هم رضای عباسی و هم سبک خاصش شناخته شود ناگزیریم کسانی را که با او هم‌نام هستند معرفی کنیم و شرح حال هر یک را بیاوریم تا پس از این منقدان دچار اشتباه نشوند.

آقارضا ، آقارضا مصور هروی ، آقارضا جهانگیری

آقارضا هنرمندی است از مردم هرات که در مکتب هنری آن سامان کار میکرده و نقاشی چیره دست بوده است او در سال ۹۷۰ چنانکه خواهیم گفت تولد یافته و در اوآن سلطنت شاه عباس بزرگ (۱۰۰۰ . ه) باصفهان رفته و مدت هفت سال در اصفهان گذرانده چون از او استقبالی نشده ناچار مانند چندتن دیگر از نقاشان که معرفی خواهیم کرد از طریق مشهد - قندهار راه هندوستان درپیش گرفته و در راه هند هنگام توقف در مشهد مقدس در منزل (حاجی میرزا خواجگی) صورتی کشیده که خوشبختانه موجود است . در کنار آن شرحی نوشته و رقم کرده است (راقمه رضا سنه ۱۰۰۷) این آقارضا عادت داشته آنچه را می کشیده در آنهم شرحی مینوشته ، خطش شکسته نستعلیق است و خوش خط نیست و یکی از موارد بازشناخت اثر او از آثار دو آقارضای دیگر خط اوست او تک صورت هم بشیوه هرات می ساخته . در سال ۱۰۰۷ به هندوستان و در دربار شاه سلیم پذیرفته شده و در مرقع گلشن که در کتابخانه سلطنتی محفوظ است حواشی برخی از خطوط را حاشیه سازی و رقم کرده است (غلام با اخلاص شاه سلیم آقارضای مصور فی تاریخ رمضان ۱۰۰۸) . در همان مرقع مجلس دیگری هست که چنین رقم زده است (در سن شصت سالگی ساخته شده سنه ۱۰۳۰ عمل مرید با اخلاص آقارضا جهانگیر پادشاهی) . باید توجه داشت که به تقلید رضا عباسی او هم خود را جهانگیر پادشاهی خوانده . هم چنانکه آقای دکتر بیانی متذکر شده اند . بر طبق این نوشته آقارضا مصور هروی باید در ۹۷۰ تولد یافته باشد .

آقارضا مصور کاشی

آقا علی اصغر از جمله چهره نگارانی بود که در دستگاه سلطان ابراهیم میرزا فرزند بهرام میرزا برادر شاه طهماسب میزیست و مورد عنایت و توجه ابراهیم میرزا بود . فرزند او بنام رضا نیز نزد پدر به تعلیم نقاشی پرداخت و در این فن سرآمد اقربان گشت و در عنفوان جوانی بدربار شاه عباس راه یافت و هنر او مورد عنایت و توجه قرار گرفت و بموجب فرمان از مصوران خاصه گردید و به همین مناسبت رضا مصور خاصه رقم میکرد . برای آنکه از خصوصیات و خلقیات این نقاش آگاه شویم شرحی را که عالم آرای عباسی درباره او نوشته عیناً نقل می کنیم .

(آقارضا مصور در فن تصویر و نکته صورت و چهره گشائی ترقی عظیم کرده اعجوبه زمان گشت و در این عصر و زمان مسلم الثبوت است . از جهالت نفس با آن نزاکت قلم همیشه زور آزمائی و روش کشتی گیری کرده ، از آن شیوه محظوظ بودی و در این عهد فی الجمله از آن هرزه درائی باز آمده «زمان تحریر عالم آرا» اما متوجه کار کمتر شده بدمزاج و بی حوصله و سرداختلاط است در خدمت حضرت اعلی شاهی ظل الهی مورد عواطف و الطاف گردیده و رعایت های کلی یافت اما از اطوار ناهنجار صاحب اعتبار نشد و همیشه مفلس و پریشان حال است) . اینک متن فرمان شاه عباس درباره عنوان مصور خاصه که برای رضا مصور کاشانی صادر شده بوده است .

«چون مصور کارخانه انه مصور الاشیاء وقادر علی ما یشاء بمحض قدرت ازلی بقلم لم یزلی نقش نواب فلك جناب مارا بمقتضای آیه احسن صورکم در صحیفه جهان ولوح خواطر بنی نوع انسان کالنقش فی الحجر تحریر و تصریر فرمود پرگاروار کره خاک و دوائر افلاک را در تحت تصرف اسکان ما آورد لاجرم نقش مردی که در صفحه حل کاری خورشید پرزینت وزیب بروفق مقاصد و مطالب ما چهره گشائی و بشکر این مواهب عظمی همواره مارا نیز در صفحه خاطر خطیر این صورت نقش تدبیر گشته که جمعی از هنرمندان نادره کار و نقاشان بدایع نگاه که در زمان دولت روزافزون در ظل عواطف تربیت ما نشوونما یافته اند بروجعی

رعایت و تربیت فرمائیم که پیکر فراغت و رفاهیت ایشان برنگ حصول امانی و آمال مصور بوده مرفه الحال و فارغ الاحوال روزگار گذرانند .

لهذا شمه‌ای از مراسم بی‌عنایت شاهانه را درباره سعادت آثار نادره‌الزمانی وحید دورانی آقارضا مصور خاصه که از عنفوان شباب آثار قلم معجزنگارش دستورالعمل نقاشان نادره کار و مورد تربیت نواب ماست فرمودیم .

کارهای آقارضا مصور خاصه کاشانی اغلب تک‌صورت است و بیشتر سیاه قلم کار می‌کرده و روش او دنباله مکتب تبریز است و در طرح و خطوط قلمی بسیار محکم دارد . رنگ کمتر بکار می‌برده و بیشتر با خطوط کار خود را نشان میداده و بهترین نمونه کار او صورت حکیم شفائی شاعر است . داماد آقارضا مصور کاشی نیز بنام مصور کاشی معروف است و نقاش بوده و در دستگاه ساروتقی وزیر مازندران بسر می‌برده است و او هم امضا می‌کند مصور کاشی .

رضا عباسی

برای بحث در شرح حال واحوال رضای عباسی نخست بشرحی که گلستان هنر درباره آقارضا کاشی نوشته است توجه می‌کنیم : ... (آقا رضا ولد مولانا علی‌اصغر کاشانی است) (زمانه اگر بوجود او افتخار نماید می‌شاید چه در تصویر و چهره‌گشائی و شبیه‌کشی نظیر و عدیل ندارد و گرمانی زنده‌بودی و استاد بهزاد حیات یافتی روزی یکی صد آفرین بروی نمودی و دیگری بوسه بردستی او نهادی همگی استادان و مصوران نادر زمان او را باستانی مسلم دارند . هنوز ایام ترقی و جوانی او باقی است وی در خدمت اشرف شاه کامیاب مالک رقاب سپهر انتساب سلطان شاه‌عباس خلدالله ملکه می‌باشد . یک مرتبه صورتی ساخته و پرداخته بود که شاه عالمیان بجایزه آن ، بوسه بردستی او نهاد) .

دانستیم که رضا مصور هر وی در سال ۱۰۰۷ به هند رفت و هم‌چنین رضا مصور کاشی که مصور خاصه بوده است . بطوریکه عالم‌آرای عباسی نوشته و دیگران هم متذکر شده‌اند ، دلباخته و شیفته فن کشتی بوده و از اوان سلطنت شاه‌عباس نقاشی می‌کرده و در دستگاه شاه نام و عنوانی داشته است .

رضا مصور کاشانی بزعم ما جز رضای عباسی است و اینک دلائل ما .

۱ - معین مصور شاگرد رضا عباسی بوده و در این هیچگونه شك و تردید نمیتوان کرد . معین مصور از استادش رضای عباسی صورتی کشیده و در حاشیه آن نوشته است (شبیه غفران و رضوان آرامگاهی مرحومی مغفوری استادم . رضاء مصور عباسی مشهور برضاء عباسی بتاریخ شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۴۴ آبرنگ گردیده بود که در شهر ذوالقعدة الحرام سال مذکور از دارفنا بعالم بقا رحلت نمود و این شبیه را بعد از چهل سال در چهاردهم شهر رمضان المبارک ۱۰۸۴ حسب‌الفرموده فرزندی محمد نصیرا باتمام رسانید معین مصور غفرالله ذنوبه) .

۲ - در گلستان هنر و عالم‌آرای عباسی صحبت و سخن از آقارضا کاشانی و آقارضا مصور خاصه است حتی در فرمانیکه برای او صادر گردیده بنام رضا مصور خاصه نامیده شده‌است و نامی از رضای عباسی در میان نیست بنابراین نمیتوان آقارضا کاشی و رضا هر وی را رضای عباسی دانست بخصوص با توجه به نکاتی که یاد خواهیم کرد .

اینک بجاست یکی دیگر از کسانی را که با رضای عباسی هم‌نام است و مانند او بداشتن عنوان انتسابی عباسی مفتخر بوده بشناسیم ، علیرضا تبریزی که شاگرد مولانا علی‌بیک تبریزی است که در خط استاد بوده و چندی در قزوین کتابت می‌کرده و سپس در سلك خاصان وندمای فرهادخان درآمده و چون صیت شهرتش در هنر خط‌نویسی بالاگرفته شاه عباس او را باصفهان خواسته . تاریخ عباسی در این مورد مینویسد : (روز پنجشنبه غره شوال ۱۰۰۱ نادرالعصر و الزمان آنکه اسمش با خوشنویس عهد به عدد موافق است یعنی علیرضای تبریزی بشرف ملازمت اختصاص یافته بخلعت فاخر سرافراز شد و انیس مجلس گردید) و از طرف دیگر گلستان

هنر در شرح حال علیرضا تبریزی خطاط مینویسد (اکنون ده دوازده سال شد که در ملازمت رکاب ظفر انتساب شاه کامبخش کامیاب در جمع یورش ها و ساق ها اقدام دارند) .

با این توصیف میتوان گفت سال تألیف گلستان هنر باید بین سالهای ۱۰۱۸ - ۱۰۲۰ باشد و از طرفی در آثاری که رقم رضای عباسی را دارد تاکنون تاریخ کمتر از ۱۰۲۵ دیده نشده است میتوان گفت رضای عباسی در زمان تألیف گلستان هنر هنوز هنرش معرفی و شناخته نشده بوده است. دیگر اینکه : با توجه به شبیه او که معین مصور رسم کرده و اینک در دست است و وصفی که از آقارضا مصور کاشی عالم آرای عباسی کرده است نمیتوان کوچکترین و کمترین تشابهی یافت. تصویر موجود از رضای عباسی او را مردی بسیار متین و سنگین و موقر و نجیب و نحیف اندام نشان میدهد. در حالیکه بر اساس وصف عالم آرای عباسی درباره آقارضا مصور کاشی باید مردی پهلوان و کشتی گیر و لوند و شوریده حال را در عکس دید !!

نکته دیگر آنکه این تصویر در سال ۱۰۴۴ ترسیم یافته و در این تاریخ او مردی چهل و پنج ساله بنظر میرسد و بنابراین نظر باید در حدود هزار هجری متولد شده باشد. در آثاری که رقم رضای عباسی را دارد تاریخ های از ۱۰۲۵ - ۱۰۴۴ دیده میشود و هیچ تصویری در دست نیست که با رقم رضای عباسی مثلاً سال ۱۰۱۰ یا ۱۰۱۵ داشته باشد و اینهم معقول نیست زیرا در این تاریخها رضای عباسی واقعی طفلی ده ساله بوده است. کارهای اصیل رضا عباسی که با مشخصات کار او تطبیق میکنند همه با خطی بسیار خوش نستعلیق که با یک موی گرده گریه است نوشته (و اینهم خود هنری است) شده و آثار آقارضا مصور کاشی که رقم رضا مصور را دارد خط تحریر شکسته آنها بسیار معمولی است .

مکتب رضا عباسی توجه کامل به طبیعت است ، طبیعت آنچنانکه هست عیناً در آثار رضا عباسی منعکس میگردد . او در زمان خود سبکی نو و مکتبی تازه ابداع کرده و سنت های مکتب هرات و تبریز را شکسته است . یکی از خصوصیات سبک رضا عباسی اینست که در چهره سازی کاملاً حرکات و وجنات چهره ها را ضبط نمیکرده است. رضا عباسی در تک صورت سازی مهارت داشت و مجلس هائی که می کشید بیشتر توجهش به پروراندن صورتهای معطوف بود . شخصیت های مجلس هائی که کشیده است بزرگتر و برجسته تر از مکتب تبریز است . در مجلس هائی که برای داستانها رسم میکرد بجای آنکه قهرمان و اشخاص داستان را از صورت های خیالی بکشد شخصیت های زمان خود را بجای آنها میگذاشت . رنگها در آثار رضا عباسی نقش عمده ای را در تجسم ایفاء میکند . از ریزه کاریهای مکتب هرات و تبریز پرهیز دارد . کارهای او با چند خط و رنگ مشخص میگردد و تنها در صورت سازی پرداز و سایه بکار می برد در نقاشی دیواری با اندازه های بزرگ سبک او مشخص و متمایز است . در نقش صورت سازی روی کاشی پس از دوران سلجوقی مکتب تازه ای ابداع کرده است و برای نمونه یک مجلس از این کاشی هارا در اینجا یاد آور می شویم و آن صحنه ایست که در عمارت چهل ستون موجود است . در چهل ستون و سردر قیصریه اصفهان آثار قلمی رضا عباسی را در تزیین دیواری میتوان دید برای آنکه مکتب رضا عباسی را از مکتب دیگران تمیز دهیم و آثار او را بهتر بشناسیم یک معیار و سنجش اطمینان بخش در اختیار ماست و آن آثار شاگرد ممتازش معین مصور است . معین مصور بدون هیچگونه ابداع و ابتکاری مکتب استادش را تقلید و پیروی نمیکرده است . آثاری که از رضا عباسی با آثار معین مصور مانند باشد از رضا عباسی است لاغیر ... (عکسهای شماره ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ در کتاب تاریخ کتاب از کارهای رضا عباسی و عکس شماره ۱۴۰ از معین مصور است) . ملاحظه عکس شماره ۸۳ با شماره ۱۴۰ از معین مصور این حقیقت را گویاست .

رضا عباسی شاگردان هنرمندی تربیت کرد که از مشهورترین آنها میتوان از شفیع عباسی - افضل مصور حسینی - شیخ محمود - حبیب اله مشهدی - شاه قاسم (عکسهای شماره ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۲) یاد کرد .